فهرست مطالب

[وجوب مقدمه 2](#_Toc398358511)

[نظر چهارم نظر صاحب فصول 2](#_Toc398358512)

[مقامات نظریه وجوب مقدمه موصله 2](#_Toc398358513)

[مقام اول 2](#_Toc398358514)

[مقام دوم 2](#_Toc398358515)

[وجه اول 2](#_Toc398358516)

[تقریر اول در اشکال دور 2](#_Toc398358517)

[***جواب*** 3](#_Toc398358518)

[تقریر دوم در اشکال دور 3](#_Toc398358519)

[***جواب*** 3](#_Toc398358520)

بسم‌الله الرحمن الرحيم

# وجوب مقدمه

# نظر چهارم نظر صاحب فصول

## مقامات نظریه وجوب مقدمه موصله

### مقام اول

در بررسی نظریه صاحب فصول، بیان ادله قول صاحب فصول بود که گفتند مقدمه موصله واجب است قولی که کثیری از متأخرین به آن سمت تمایل پیدا کردند و درمجموع بیان این‌گونه بود که هم وجدان و هم منطق اقتضا می‌کند که مطلق مقدمه ضرورت و الزام نداشته باشد بلکه وجوب مقدمه برای فعالیت‌هایی است که در مسیر رسیدن به مقصد باشد و اگر در مسیر نباشد و مقصد بعداً محقق نباشد مقدمه ارزشی نخواهد داشت.

### مقام دوم

این مقام درباره شواهد و دلایلی است که در مقابل قول مشهور می‌باشد که نظریه درستی هست اما در مقابل مرحوم نائینی و حائری که مقدمه حینیه را قائل هستند، دلایل و وجوهی بیان کردند که مورد برسی قرار می‌دهیم.

#### وجه اول

مرحوم نائینی در اجود التقریرات و آیت‌الله وحید در التحقیق فی علم الاصول وجوه و اشکالی را ذکر کردند. مرحوم نائینی می‌فرمایند مقدمه موصله را قبول می‌کنیم، ولی اینجا اشکال دور پیش می‌آید که دارای تقریراتی هست.

##### تقریر اول در اشکال دور

وجوب مقدمه متوقف بر وجوب ذی المقدمه است و در این تردیدی نیست بنابراین وجوب غیری مقدمه متوقف بر وجوب نفسی ذی المقدمه است اما نظریه مقدمه موصله یک مطلب معکوسی درست می‌کند و مستلزم این است که وجوب ذی المقدمه متوقف بر مقدمه می‌شود و این‌همانی است که موجب دور می‌شود. بنا بر نظر صاحب فصول وجوب ذی المقدمه متوقف بر وجوب مقدمه می‌شود. به این صورت که وقتی شما می­گویید مقدمه واجب است، در فرضی که موصله باشد و موصله بودنش زمانی محقق می‌شود که ذی المقدمه باشد، اگر ذی المقدمه تحقق پیدا نکند و وجود پیدا نکند مقدمه وجوب پیدا نمی‌کند، منتهی از مقدمات مؤخر محسوب می‌شود بنابراین وجوب ذی المقدمه، وجوب مقدمی برای مقدمه است. وجوب مقدمه متوقف بر وجوب ذی المقدمه است که در این صورت، وجود او متوقف بر وجوب ذی المقدمه می‌شود، بنابراین وجوب آن‌هم متوقف بر وجوب ذی المقدمه می‌شود و این همان دور است. خلاصه این‌که وجوب مقدمه متوقف بر وجوب ذی المقدمه است، چراکه وجوب مقدمه ناشی از وجوب ذی المقدمه است و این دور است.

##### **جواب**

تقریری که در کلمات آقای خوئی و ... آمده این است که این حرف شما موردقبول است، ولی در ذی المقدمه دو وجوب وجود دارد، وجوب نفسی که متوقف علیه وجوب مقدمه است و یک وجوب غیری داریم که متوقف بر وجوب ذی المقدمه است و این اشکالی همین‌که یک‌چیزی واجب شد مقدمه موصله آن واجب می‌شود مقدمه موصله هم وجوب آن متوقف بر وجوب غیری آن است ندارد دور درجایی است که متوقف و متوقف علیه دو چیز باشد، متوقف علیه وجوب نفسی ذی المقدمه است و متوقف بر وجوب ذی المقدمه وجوب غیری آن است و اجتماع وجوب نفسی و غیری هم اشکال ندارد مثلاً در نماز ظهر وجوب نفسی برای خودش و وجوب غیری برای نماز عصر می‌شود.

##### تقریر دوم در اشکال دور

وجود و تحقق ذی‌المقدمه زمانی است که مقدمه بیاید، پس وجود مقدمه متوقف بر وجود مقدمه است کون علی السطح وجودش بعد از پله بالا رفتن است، اگر بگوییم مقدمه موصله است، این موصله کی مقدمه موصله می‌شود؟ وقتی‌که ذی المقدمه بیاید، پس تحقق این مقدمه متوقف شد بر وجود و تحقق ذی‌المقدمه و تا آن نیاید، این محقق نمی‌شود. در تقریر دوم، دور روی وجودها است و در تقریر اول دور روی وجوب‌ها بود.

##### **جواب**

وجود ذی المقدمه بر وجود مقدمه متوقف است، اما بنا بر قول موصله، وجود مقدمه توقف خارجی بر وجود ذی المقدمه ندارد که در خارج بر آن متوقف باشد بلکه در کشف از این است که این موصله است و باید بعداً بیاید و آمدن امر در رتبه بعد موجب نمی‌شود که این در رتبه قبل وجود داشته باشد، بلکه کشف از موصله بودنش است، نه این‌که امر محقِّقش باشد.